

The reflections of Resistance Literature in Alavi war Cries

Ebrahim Fallah^۱

Abstract

Imam Ali (as) was a virtuous statesman, who had a great deal of effort for the renewal of Islam from some innovations entering it. Given that the battles he took part in against the enemies of Islam were regarded as decisive battles in Islamic history, identifying the reflections of resistance in the fight of Ali (as) against the enemies is an indispensable issue.

This study seeks to illustrate the reflections of resistance in Alavi epopees and war cries (rajazes) by adopting a descriptive-analytical method. the results reveal that the components of resistance, such as death and martyrdom in the way of God, patience and stability, courage and chivalry, honor to the lineage, as well as the intimidation and threatening of enemies have been reflected in Alavi war cries. Imam Ali (as) by the influence of the Holy Qur'an has illustrated the most beautiful and eloquent war cries in fighting against the enemies in a poetic and literary expression

Key words: Imam Ali (as), War cry (Rajaz), Resistance literature, Stability, Epic

^۱. Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Sari Branch, Email: Fallahabraham@gmail.com

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دهم، شماره نوزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

جلوه‌های ادبیات مقاومت و پایداری در رجزهای علوی

(علمی-پژوهشی)

دکتر ابراهیم فلاح^۱

چکیده

امام علی (ع) زمامداری باتقوا بود که برای تجدید اسلام از بدعت‌هایی که در آن راه یافته بود، تلاش فراوانی نمود. با توجه به اینکه جنگ‌های آن حضرت (ع) علیه دشمنان اسلام به- عنوان جنگ‌های سرنوشت‌ساز اسلام در طول تاریخ مطرح است، شناسایی جلوه‌های پایداری و مقاومت در مبارزه علی (ع) با دشمنان، موضوعی ضروری است. این پژوهش درصدد است با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی، جلوه‌هایی از مقاومت و پایداری را در اشعار حماسی و رجزهای علوی ترسیم نموده و به تصویر بکشد. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که مؤلفه‌های پایداری و مقاومت همچون مرگ و شهادت در راه خدا، صبر و پایداری، شجاعت و دلیری، افتخار به نسب و ارباب و تهدید دشمن در رجزهای علوی تجلی یافته است. امام علی (ع) با تأسی از قرآن، زیباترین و بلیغ‌ترین رجزهای حماسی را در مبارزه علیه دشمنان در بیان فخیم شعری و ادبی به تصویر کشیده‌اند.

واژه‌های کلیدی: امام علی (ع)، رجز، ادب مقاومت، پایداری، حماسه.

^۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری Fallahabrahim@gmail.com

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷-۰۲-۰۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶-۱۱-۱۰

۱- مقدمه

ادب مقاومت و پایداری از مظاهر شعر حماسی به شمار می‌رود که در عصر جاهلی و اسلامی با بیان فخیم رجز، باعث ایجاد خوف و هراس در قلب دشمن و بالا بردن توان روحی لشکر می‌شده است. «رجز در عصر جاهلی به موضوعات مشخصی مانند افتخار به کرم و شجاعت و به قبیله و کشتن بعضی از قبایل، قبایل دیگر و همچنین میل به انتقام و توصیف میدان‌های جنگ و ذکر مرثیاتی اختصاص داشت و بعد از ورود به عصر اسلامی، مفاهیم دیگری مانند ستایش خداوند، ایمان به روز قیامت و دفاع و حمایت از پیامبر (ص) [به آن] اضافه شد؛ علی‌رغم اینکه مشابهت میان رجز جاهلی و رجز اسلامی در اسلوب وجود دارد؛ اما تغییر و تحول در موضوع و مفهوم مشاهده می‌شود» (مصطفوی‌نیا، ۱۴۳۲: ۸۱). رجز یکی از ارکان اصلی در جنگ‌ها و نبرد عصر جاهلی و اسلامی بود؛ اما در عصر اسلامی، یکی از مهم‌ترین انواع ادبی در خدمت دین و فرهنگ اسلامی بوده است.

رجزخوانی از آداب مسلم جنگ بوده و دو مبارز ناگزیر از پرداختن به آن قبل از نبرد بوده‌اند، در واقع، رجزخوانی بخشی از تاکتیک رزمی جنگاوارن برای درهم شکستن روحیه دشمن است. از دیدگاه روان‌شناختی، در رجزخوانی از یک سو می‌توان غرور گوینده و اطمینان او از شکست دادن حریف را مدنظر داشت و از سوی دیگر، دلهره و ترس پنهانی گوینده را از شکست خوردن در ورای سخنان او دریافت و رجزخوانی را پوششی برای پنهان نمودن این ترس دانست (فلاح، ۱۳۸۵: ۱۰۸). از پیامبر (ص) رجزهایی گزارش شده است؛ از جمله:

أنا النبيُّ لا كذب

أنا ابنُ ابنِ عبدالمطلب

(ابن منظور، بی‌تا، ج ۵: ۱۴۵)

علی (ع) در میدان‌های جنگ و نبرد در مقابل دشمنان اسلام، به اشکال مختلف از مقاومت تا مبارزه با هدف براندازی و ریشه کن ساختن ظلم و جور، رجزها و اشعار حماسی فراوانی سروده است. رجزهای علوی، علاوه بر تصویرگری رشادت و دلاوری، تفاخر به اسلام، بیان عقاید و صبر و وفاداری و یاری پیامبر (ص)، نه تنها مردمان زمان خویش را مخاطب قرار داده؛ بلکه الگو و اسوه‌ای برای هدایت نسل بشر در تمام اعصار و دوران نیز هست. این پژوهش به بیان جلوه‌هایی از ادب مقاومت و پایداری در رجزهای علوی اختصاص دارد.

۱-۱- بیان مسئله

امام علی (ع) و خاندان مطهرشان، تأثیری عمیق بر جریان مقاومت و پایداری گذاشته‌اند؛ در واقع این مکتب، مرکز ثقلی برای ادب مقاومت به شمار می‌آید که در سیره و سنت والای ایشان وجود دارد. علی (ع) در جنگ‌ها، در مقابل بیداد ستمگران مقابله نمود و مردم را از غرق شدن در مرداب جهل ساخته حاکمان جبار نجات داد و به‌عنوان اسوه استقامت و پایداری برای آدمیان در تمام اعصار و قرون قرار گرفت. هدف از پژوهش حاضر پاسخ‌گویی به این پرسش است:

- جلوه‌های پایداری و مقاومت در رجزهای علوی چیست؟

با توجه به جایگاه ادبیات پایداری و نقش تعیین‌کننده این گونه ادبی در شکل‌گیری افکار و اندیشه‌های مردم، ضروری می‌نمود که پژوهشی مستقل در ارتباط با رجزهای علوی صورت پذیرد و مشخص شود دوام ادب مقاومت، نتیجه مجاهدت‌ها و رشادت‌های علی (ع)، یاران و خاندان مطهرشان بوده است. در راستای دستیابی به این هدف، پژوهش حاضر ضمن نقل قسمت‌هایی از رجزهای علوی، جلوه‌های ادبیات مقاومت و پایداری را در رجزهای مطروحه

مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. این پژوهش که در زمره پژوهش‌های بنیادین است، با روش توصیفی-تحلیلی این موضوع را مورد بررسی و مذاقه قرار می‌دهد.

۱-۲- پیشینه تحقیق

رجز اولین بحر شعری در ادب عربی است که شاعران جاهلی آن را به کار گرفتند و در واقع سجع متکامل است. بروکلمان در این باره می‌گوید: «یکی از قدیمی‌ترین قالب‌های فنی عربی، سجع است. نثر قافیه‌دار بدون وزن و تحول سجع به بحر رجز که از تکرار دو سبب و وتد تشکیل می‌شود، باعث شد که اثرش در جان بیشتر شود» (بروکلمان، بی‌تا، ج ۱: ۵۱). عجاج نخستین فردی بود که بر ابیات رجز افزود و آن را به صورت قصیده درآورد و بدان رنگ عاشقانه داد و در آن از اطلال معشوق سخن گفت و بر آن اطلال، یاران را به درنگ کردن و گریستن فراخواند و نیز موضوعاتی چون یاد جوانی و وصف راحله در آن داخل کرد (فاخوری، ۱۳۸۶: ۲۴۰). مفاهیم رجز به وسیله اسلام تغییر و تحول عظیمی پیدا کرد. رجز در دوره جاهلی بر پایه انتقام و تکبر استوار بود؛ اما در دوره اسلامی به یاری اسلام و شهادت در راه خدا و تفاخر به اسلام به جای تفاخر به قوم و قبیله مطرح شد (جوهری، بی‌تا، ۱۴۳۲: ۸۵)؛ اما منبع اصلی رجزها و اشعار حماسی امام علی (ع) و یارانش، کتاب‌های تاریخی و ادبی است. در این زمینه، نمونه‌ای که به بررسی جلوه‌های مقاومت و پایداری در رجزهای علوی پرداخته باشد، به نگارش درنیامده است که این امر خود جنبه نوآوری و جدید بودن این پژوهش را می‌رساند.

۱-۳- ضرورت و اهمیت پژوهش

در رجزهای حماسی امام علی (ع)، بسیاری از مبانی و مفاهیم ارزشمند؛ از جمله شجاعت و مقاومت در برابر جبهه باطل و مبارزه با ظلم و ستم نمود دارد. ضروری می‌نمود که پژوهشی

مستقل در ارتباط با رجزهای علوی صورت پذیرد و نقش علی (ع) در دوام و جهت‌گیری واقعی ادب مقاومت و پایداری با به‌کارگیری رجز تبیین شود.

۲- بحث

۲-۱- مفهوم‌شناسی رجز

امروزه برای پژوهش در هر موضوع یا مسئله‌ای، مفهوم‌شناسی از آن موضوع یا مسئله پیش از ورود به بحث، اهمیت خاصی دارد. هر محقق با واکاوی موضوع تحقیق خود در لغت، ارائه کاربردهای ادبی آن موضوع، تعریف آن در اصطلاح و دیگر شاخص‌هایی که در قلمرو مفهوم‌شناسی قابل طرح است؛ در واقع، ذهن خواننده را برای ورود به بحث خود آماده می‌نماید. در این پژوهش نیز سعی می‌شود که واژه رجز در لغت و اصطلاح مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۱-۱- بازشناسی رجز در بستر تعاریف لغوی و اصطلاحی

رجز مصدر ثلاثی مجرد از فعل «رَجَزَ» است که در لسان‌العرب آمده است:

«رجز دردی است که شتر پیدا می‌کند در پاهایش، اضطراب پای شتر است زمانی که بخواهد بلند شود. رجز در شعر، رجز نامیده شده است؛ به دلیل نزدیکی اجزایش و کمی حروفش» (ابن‌منظور، بی تا، ج ۵: ۱۴۴).

«ارجوزه جمع رجز و عبارت است از شعری که در بحر رجز سروده شده باشد و به کسی رجز سروده است، راجز گفته می‌شود و دردی است در پاهای شتر که به هنگام برخاستن می‌لرزد» (مصطفی و دیگران، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۳۰).

در کتاب العین آمده است:

«اصل رجز در لغت متابعت حرکات است و به همین خاطر در سخن عرب‌ها آمده که «ناقه رجزاً»، هنگامی به این نام خوانده می‌شود که هنگام برخاستن پاهایش لرزان باشد» (فراهیدی، ۱۳۶۷، ج ۶: ۶۶).

در فرهنگ معین در معنای رجز خواندن آمده است:

«رجز شعری است که به هنگام جنگ برای مفاخرت خوانند» (معین، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۶۳۹).
 «ارجوزه نیز جمع رجز است و عبارت است از شعری که در بحر رجز سروده شده باشد و در وزن کامل آن شش بار «مستفعِلن» به کار رفته باشد. این بحر به صورت مشطور و منهوِک نیز به کار می‌رود. از خصوصیات رجز چنان است که یک قافیه در همه مصراع‌های آن تکرار می‌شود: خواه ارجوزه کوتاه باشد یا بلند» (فاخوری، ۱۳۸۶: ۲۴۰). برخی از عروضی‌ها رجز را شعر نمی‌دانند؛ به این دلیل به کسی که ارجوزه می‌سراید، راجز گفته می‌شود نه شاعر. صاحب «لسان‌العرب» می‌گوید: «به گمان خلیل، رجز شعر نیست و آن نصف بیت است و بحری از بحور شعری معروف است که هر مصراع آن مفرد است و قصائدش اراجیز نامیده می‌شود و مفرد آن ارجوزه و مانند سجع است. وزن شعری دارد و گوینده آن راجز نامیده می‌شود؛ اما گوینده بحرهای شعری، شاعر نامیده می‌شود» (ابن‌منظور، بی‌تا: ج ۶: ۱۴۶).

«رجزخوانی، نوعی ترفند و جنگ نرم روانی محسوب می‌شود که از لحاظ روحی در تقویت نیروی خودی و تضعیف دشمن تأثیرگذار است» (امیری‌خراسانی و اکرمی‌نیا، ۱۳۹۶: ۳۹). از مجموع تعاریفی که از برخی واژه‌نامه‌های عربی و فارسی به دست آمد، رجز را می‌توان شعر یورش‌ی معرفی کرد که جنگجو، در میدان نبرد برای تشجیع نیروهای خودی و برای تهییج روحیه رزمی به سوی دشمن پیش می‌رود و رجز می‌خواند و توقف می‌کند و دوباره شروع به حرکت می‌کند؛ لذا این نوع شعر خواندن که مشابه حرکت شتر بیمار است، به رجزخوانی مسمی گشته است.

۲-۲- مأخذشناسی رجزهای علوی

رجزهای امام علی (ع) و یارانش در جنگ‌ها و هنگام مبارزه با دشمنان اسلام، به صورت پراکنده در بسیاری از کتاب‌های تاریخی نقل شده است؛ از جمله این منابع تاریخی می‌توان به کتاب‌هایی همچون وقعه صفین (منقری، ۱۳۸۰: ۳۷۰-۵۴۰)، الکامل فی التاریخ (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۳: ۲۷۶-۲۹۹)، مقاتل الطالبین (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۳۰: ۱۲-۲۲)، دیوان امام علی (ع) (بیهقی نیشابوری، ۱۳۹۱) و ... اشاره نمود؛ اما یادآوری این نکته ضروری است که بیشتر رجزهای علوی در دو کتاب وقعه صفین از نصرین مزاحم منقری و دیوان امام علی (ع) از بیهقی نیشابوری نقل شده است. در متن این مقاله نیز، مبنای نقل رجزهای علوی، دو کتاب فوق است.

۲-۳- جلوه‌های مقاومت و پایداری در رجزهای علوی

علی (ع) به عنوان امام اول شیعیان نقشی حساس و تأثیرگذار در دوران حیات خود ایفا کرده است. اندیشه‌های اصلاح طلبانه آن حضرت در رجزهایی که در نبرد با دشمنان سروده است، به وضوح نمایان و مرکز ثقل مهم ادب مقاومت و پایداری است. مفاهیم ارزشمند ادب مقاومت و پایداری همچون شهادت طلبی، حق طلبی، خون خواهی و رسیدن به آزادی از آموزه‌های جاودانه مکتب این امام همام است. حضرت با توان والای سخندانی فی‌البداهه در میدان جنگ و متناسب با حال و هوای میدان نبرد رجز می‌سروده است. این چنین ویژگی‌ای را در رجزهای علوی شاهد هستیم. اینک به نمونه‌هایی از آموزه‌های پایداری در رجزهای علوی پرداخته خواهد شد:

۲-۳-۱- افتخار به حسب و نسب

در معنای لغوی نسب در فرهنگ‌های لغت چنین آمده است:

«نسب به معنای اصل، نژاد، گوهر، خویشاوندی و قرابت است. جمع آن انساب است. وقتی که گفته می‌شود «نسباً» یعنی از لحاظ اصل و نژاد و نسبی به معنای خویشاوندی به رحم» (معین، ۱۳۸۱، ج ۴: ۴۷۱۵-۴۷۱۴؛ مصطفی و دیگران، ۱۳۸۵، ج ۲: ۹۱۶).

«نسب به جهت یکی از ابویین است و نسب دو گونه است: نسب طولی که بین پدران و فرزندان است و نسب عرضی که بین برادران و برادرزادگان و عموزادگان است» (راغب اصفهانی، بی تا: ۵۴۵). ابن منظور نقل کرده است که نسب از طریق پدران است (ابن منظور، بی تا: ج ۱۴: ۱۱۸) صاحب مجمع‌البحرین ذکر کرده است:

«نسب مفرد واژه انساب است. و گاهی از جانب پدر و گاهی از جانب مادر می‌باشد؛ سپس به آیه‌ای از قرآن اشاره می‌نماید که: «وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسْبًا» (صافات: ۱۵۸) و نسب را به عنوان پیوند ذکر می‌نماید» (طریحی، ۱۴۳۰، ج ۲: ۱۲۶۳). از مجموع مطالب ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که نسب به پدر و مادر بازمی‌گردد.

در حقیقت یکی از کارکردهای افتخار و نسب در رجزهای حماسی این است که آگاهی‌بخش و تذکری برای بیداری دشمن است از اینکه فراموش کرده که با چه کسی می‌جنگد؛ همچنین مرد جنگاور، پیشینه مبارزات و دلیری‌های اجداد خود را برمی‌شمرد که این امر باعث تضعیف توان روحی لشکر مقابل بود. «یکی از روش‌های برانگیختن شور مقاومت و پایداری، یادکرد دلاوری‌ها و جانفشانی‌های نیاکان در مبارزات گذشته است» (امیری خراسانی و اکرمی‌نیا، ۱۳۹۶: ۳۰).

افتخار به نسب و افتخارات گذشته، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ادب مقاومت و پایداری در رجزهای حماسی امام علی (ع) بازتابی ویژه دارد؛ از جمله:

فَقَلْتُ أَنَا ابْنُ أَبِي طَالِبٍ	يُهِدُّنِي بِالْعَظِيمِ الْوَلِيدِ
و بِالْبَيْتِ مِنْ سَلْفِي غَالِبِ	أَنَا ابْنُ الْمَبْجَلِ بِالْبَطْحِينِ

(بیهقی نیشابوری، ۱۳۹۱: ۱۰۴)

ولید مرا به آزمون بزرگ بیم دهد. / من پور بوطالبم. / من فرزند آن گرامی مرد در مکه و مدینه و خانه خدایم. / غالب از نیاکان من است.

و یا در بیان دیگر سروده است:

أنا علىُّ وابنُ عبدالمطلب مُهذَّبٌ ذوسَطوه و ذو غَضَب
غذيتُ في الحربِ و عصيانِ النَّوَب مِن بيتِ عزِّ ليسَ فيه منشعب
(همان: ۱۱۶)

من علی ام، پور عبدالمطلب. / پیراسته و تک آور و خشمگین. / در جنگ و در سرکشی دشواری‌ها پرورده شدم. / از خاندان سرافرازی ام که در آن پراکندگی نیست.

د

أنا علىُّ و ابنُ عبدالمطلب أحمى ذِماری و أذبُّ عن حَسَب
(همان: ۱۲۰)

من علی ام، پور عبدالمطلب. / نام نیاکان خویش نگاه بدارم و از گهر خویش پاس دارم.

علی (ع) در مقابل معاویه به نژاد خویش افتخار کرده و می‌سراید:

أنا علىُّ و أعلى الناسِ في النسب بعد النَّبِيِّ الهاشمي المصطفى العربي
(همان: ۱۲۶)

من علی ام، به نژاد برترین کسانم. / پس از پیامبر هاشمی و برگزیده تازی.

در رجز فوق علی (ع) به بهترین شکل، نسب خود را به تصویر کشیده و تأکید نموده بعد از

پیامبر (ص) برگزیده ترین نژاد است.

علی (ع) در جنگ با حرث غلام معاویه سروده است:

أنا علىُّ و ابنُ عبدالمطلب نحنُ لعمراللهِ أولی بالكتب
منا النَّبِيِّ المصطفى غير كذب اهلُ اللواءِ و المقامِ و الحُجُب

(منقری، ۱۳۸۲: ۲۷۲)

منم علی و فرزند عبدالمطلب. / به خدا سوگند ما شایسته‌تر به کتاب‌های آسمانی هستیم. / پیامبر برگزیده راستین از ماست. / که صاحبان پرچم و مقام و پرده‌های عزتیم.

مالک اشتر از یاران باوفای حضرت، نسب و نسل پاک خود را این گونه معرفی می‌کند:

إِنِّي أَنَا الْأَشْتَرُ مَعْرُوفُ الشَّيْطَرِ إِنِّي أَنَا الْأَفْعَى الْعِرَاقِي الذِّكْرِ
لَسْتُ مِنَ الْحَيِّ رِبِيعٍ أَوْ مُضَرَ لَكُنْتُ مِنَ الْغُرِّ الْغُرِّ

(همان: ۳۹۶)

منم، منم اشتر نامدار چشم‌برگشته. / منم، منم نره اژدهای عراقی. / من از قبیله ربیع یا مُضَر نیستم؛ / بلکه از بنی مذحج دلیر سرافرازم.

۲-۳-۲- شجاعت و دلیری

شجاعت و دلیری رکن اصلی مقاومت و پایداری در مواجهه با دشمن است. شجاعت در لغت به معنای دلیری، بی‌باکی، دلاوری و دلداری در جنگ است و همچنین، کسی که دارای قلب قوی در هنگام نبرد است (مصطفی و دیگران، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۷۳). عالمان علم اخلاق، شجاعت را به استقامت و اعتدال قوه غضبیه تعریف کرده‌اند و استقامت و اعتدال آن را به این دانسته‌اند که با سهولت تحت فرمان عقل درآید و از انحراف به دو سوی افراط، یعنی تهور و بی‌باکی و تفریط، یعنی ترس مصون باشد (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۲: ۱۶). شجاعت و دلیری در زندگی، مهم‌ترین کلید پیروزی و اساسی‌ترین پایه سربلندی و عظمت انسان‌هاست. علی (ع) اسطوره مقاومت و شجاعت و سرمشق خوبی برای انسان‌ها در تمام اعصار و قرون است. در رجزهای علوی و یارانش در مصاف با دشمن نیز، شجاعت و عدم هراس نمود بارزی دارد که در ابیات ذیل در پاسخ علی (ع) به رجز عثمان بوطلحه نمایان است:

هَذَا مَقَامِي مُعْرَضٌ مَبْدُولٌ مَن يَلْقَى سَيْفِي فَلَهُ الْعَوِيلُ

و لا أهَابُ الصَّوْبِ بِلِ أَصُولُ
يَوْمًا لَدَى الْهَيْجَا وَ لَا أَحُولُ
إِنِّي عَنِ الْأَعْدَاءِ لَا أَزُولُ
وَالْقِرْنَ عِنْدِي فِي الْوَعَى مَقْتُولُ

أَهَالِكُ بِالسَّيْفِ أَوْ مَغْلُولُ

(بیهقی نیشابوری، ۱۳۹۱: ۴۷۸)

اینک جای من که آشکار و هویدا است. / هر که دیدار با تیغ من کند، شیون زان اوست. / از آمدن نیزه‌ها نترسم و حمله می‌کنم. / که من در برابر دشمن از جایی نروم. / در روز نبرد واپس نگردم. / هم‌اورد من به رزم ناگزیر کشته می‌شود. / کشته به شمشیر یا گرفتار به بند.

۲-۳-۲-۱- تهدید و ارعاب دشمن

در رجز علی (ع) خطاب به ولید، تهدید و ارعاب دشمن این گونه به تصویر کشیده شده است:

تَبَّأ وَ تَعَسَّأ لَكَ يَا ابْنَ عُتْبَةَ
أَسْقِيكَ مِنْ كَأْسِ الْمَنِيَا شَرْبَةً

و لا أبالی بعد ذاك غبه

(بیهقی نیشابوری، ۱۳۹۱: ۱۰۸)

نیست باشی و نابود ای پور عتبه. / اینک تو را از جام مرگ شربتی نوشانم / و از فرجامش بیم نمی‌دارم.

۲-۳-۲-۱- حمایت پیامبر (ص)، پشتوانه شجاعت علی (ع)

در رجزی دیگر علی (ع) در روز خیبر سروده است:

تَشْهَدُ لِي بِالْكَرِّ وَالطَّعْنِ رَايَهُ
و تَعْلَمُ أَنِّي فِي الْحُرُوبِ إِذَا لَتَّظْتُ
حَبَانِي بِهَا الطَّهْرُ وَالنَّبِيُّ الْمَهْدَبُ
بَنِيرَانِهَا اللَّيْثُ الْهَمُوسُ الْمَجْرَبُ

ومثلی لاقی الهول فی مفضعاته
وقد علم الاحياء أنى زعيمها
و فل له الجيش الخميس العطبب
و أنى لدى الحرب الحذيق المرجب
(همان: ۱۱۴)

تاختن و نیزه افکندن با پرچمی که / پیامبر پاک و پیراسته به من بخشیده، خود گواهی می‌دهد / و می‌داند که من در جنگ‌ها آنگاه که به آتش زبانه کشند / شیر نرم گام آزموده‌ام. / چون من کسی جنگ را با همه هراس‌های آن بدیده / و سپاه پنج بهر و دلاور از برابرش بسی بتاریده / کوی‌ها همه بدانند که بزرگ‌شان منم / و من در هنگامه جنگ آن نخل پر بار ستون بسته‌ام.

۲-۳-۲-۳- استفاده از آرایه‌های بلاغی و آمادگی بدنی در اظهار شجاعت

شجاعت حیدری و علوی در اشعار ذیل به تصویر کشیده شده است:

أنا الذى سَمَّتني أُمى الحیدره
عبل الذرا عين شدید القصره
ضِرغام آجام و لیث قسوره
کلیث غابات کریه المنظره
أضربکم ضرباً یبین الفقره
أضربُ بالسيفِ رقاب الکفره
ضرب غلام ماجدِ حزوره
مَن یترک الحق یقوّم صعره
(همان: ۲۸۶)

من آنم که مادرم حیدرم نامیده. / شیر بیشه‌هایم، شیری شرزه‌ام. / ستبر بازوانم و ستبر گردنم. / چون شیر بیشه‌ام که دیدارش نه خوشایند است. / پیمان‌ه گران به تیغ کنمتان. / و زخمی زخم چنانکه ستون کمرتان بشکنند. / هماورد را لاشه و درنده بیابان کنم. / گردن کافران را به تیغ زخم. / زخمی از جوانی با گهر و شیرسان. / هر که راستی را فرونهد، کجی‌اش راست کند.

در بیت اول اشعار فوق، تشبیه بلیغ وجود دارد. تشبیه بلیغ از رساترین تشبیه در القای مفاهیم به مخاطب است. علی (ع) با این تشبیه ظریف، شجاعتش را اظهار نموده است.
علی (ع) چون آهنگ نبرد می‌کرد، تهلیل و تکبیر بر زبان می‌راند و می‌گفت:

من أيّ يومى من الموتِ أفرّ
أيومَ ماقدّرَ أم يومَ قُدّرَ؟
(منقرى، ۱۳۸۲: ۵۴۰)

به کدامین دو روز خویش از مرگ بگریزم؟/ آن روز که مرگ مقدر نشده یا آن روز که مرگ مقدر گشته است.

ابراهیم اشتر از شیر مردان نخعی در رجز زیبایی، شجاعت و دلیری خود را ترسیم می نماید:

یا أيها السائل عنى لا تُرَع
أقدمُ فإنى من عرانبِ النَّخَعِ
كيف ترى طعن العراقى الجذع
أطيرُ فى يومِ الوغى ولا أقع
ماساءَ سرّاً و ماضراً نفع
أعددتُ ذا اليومِ لهولِ المطلاع
(منقرى، ۱۳۸۲: ۴۴۱)

ای آنکه مرا می جوئی پروا مکن/ و فراز آی که من از شیر مردان نخعی ام./ ضرب نیزه دلدوز عراقی را چگونه می بینی؟/ من به روز نبرد (چون شاهین) بال می گشایم و هرگز فرو نمی افتم./ آنچه گزندتان رساند، ما را شاد کند و آنچه بر زیان شما باشد، به سود ماست./ من امروز برای هول آفرینی و هراس انگیزی آماده شده ام.

۲-۳-۳- تهدید و ارعاب دشمن و ایجاد ترس در او

هدف نهایی جنگ و جهاد و پایداری و مقاومت از دیدگاه اسلام، برقراری صلح است؛ بنابراین، جهاد و پایداری و ارعاب دشمن برای مقابله با ظلم و ستم است. سنت رجزخوانی به انگیزه ایجاد هراس در دشمن در رجزهای علوی فراوان است. «در حقیقت، نوعی جنگ روانی پیش از جنگ و نبرد فیزیکی می باشند. این منظور به چند طریق صورت گرفته است؛ از قبیل تهدید دشمن به شکست، تحقیر و سرزنش دشمن به علل مختلف چون: پستی نژاد، شکست های گذشته، پستی مذهب و ...» (امیری خراسانی و اکرمی نیا، ۱۳۹۶: ۳۳). تهدید در لغت به معنای ترسانیدن (رازى، ۱۴۳۱: ۵۹۴) و به لرزه درآوردن با وعید است (راغب اصفهانی، ۱۴۳۰ق: ۶۶۸). واژه «هدد» در اصل به معنای صدای وحشت زان همچون صدای ریختن دیوار و صدای

گام‌های شدید محکم لرزه‌افکن است. کسی که تهدید می‌کند، ترس و وحشت را در جان مخاطب می‌افکند و شنونده را به لرزه درمی‌آورد. تهدید و ارباب خود عامل بازدارندگی در دشمنان است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال: ۶۰)؛ «و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این تدارکات، دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنان دیگری را جز ایشان که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد، بترسانید...». در آیه شریفه فوق، فراهم‌آوردن نیرو و تجهیزات در راستای ارباب و ایجاد ترس در دشمنان مطرح شده است و لزوماً به کارگیری آن مدنظر نیست و در حقیقت نقش بازدارندگی دارد. این ویژگی در اشعار جنگی برای ارباب و ارهاب دشمنان در رجزهای علی (ع) و یارانش به شکلی بارز وجود دارد؛ از آن جمله است رجز علی (ع) در جواب مرحب:

أنا علىُّ وابن عبدالمطلب مَهَذَّبٌ ذُو سَطْوَةٍ وَ ذُو غَضَبٍ ...
و فی یمینی صارمٌ تجلُّو الكُرب مَنْ يَلْقَى يَلْقَى الْمَنِيَا وَالْعَطَبَ

إِذْ كَفَّ مِثْلِي بِالرُّوْسِ يَلْتَعِبُ

(بیهقی نیشابوری، ۱۳۹۱: ۱۱۶)

من علی‌ام - پورعبدالمطلب، پیراسته و تکاور و خشمگین، / در دست من تیغی است که اندوه‌ها بزدايد. / هر که به من رسد، به مرگ و نابودی رسیده است. / چه، دست چو من کسی با سرها بازی کند.

علی (ع) در روز جنگ خیبر، ابالبلیت را مورد خطاب قرار داده و در او ایجاد ترس می‌کند:

هَذَا لَكُمْ مَعَاشِرَ الْأَحْزَابِ مِنْ فَيَاقِقِ الْهَامَاتِ وَالرَّقَابِ
 فَاسْتَعْجَلُوا لِلطَّعْنِ وَالضَّرَابِ وَاسْتَبْشِرُوا لِلْمَوْتِ وَالْمَأْبِ
 صَيِّرْكُمْ سَيْفِي إِلَى الْعَذَابِ بَعُونَ رَبِّي الْوَاحِدِ الْوَهَابِ
 (همان: ۱۱۸)

این از آن شماست. / شکافنده تارک‌ها و گردن‌ها. / به سوی نیزه و شمشیر بشتابید. / برای مرگ و روز پسین دلیری کنید. / تیغ من شما را به دوزخ خواهد فرستاد. / به یاری پروردگار یکتای بخشنده. در رجزی دیگر می‌فرماید:

السيفُ والخنجر ریحاننا أفَّ على النرجس والآسِ
 شرابنا من دم أعدائنا وكأسنا جُمجُمه الرأسِ
 (همان: ۳۲۲)

ما را گل، شمشیر و خنجر است. / آه بر نرگس و آه بر آس. / ما را می از خون دشمنان است / و جام ما از جمجمه‌هاست.

در ابیات فوق، علی (ع) تشبیهاتی زیبا به کار برده است که سخن را بسیار زیبا کرده است. قیس بن سعد در ایجاد ترس و هراس در دشمن گفته است:

يا ابنَ هَندِ دَعِ التَّوْتُبَ فِي الْحَرِّ بَ إِذَا نَحْنُ فِي الْبِلَادِ نَأِينَا
 نَحْنُ مَنْ قَدْ رَأَيْتَ فَادِنُ إِذَا شِئْ تَ بِمَنْ شِئْتَ فِي الْعِجَاجِ إِلِينَا
 (منقري، ۱۳۸۲: ۶۱۲)

ای پسر هند دست از تحریک کسان بر جنگ با ما بدار. / که ما در اقطار عالم نام داریم. / ما همانانیم که تو ما را دیده اگر خواهی، به ما نزدیک شو. / به این ضرب دستمان را در میدان جنگ چشیده‌ای.

۲-۳-۴- صبر و پایداری

صبر از جمله مفاهیم اخلاقی در قرآن است که ضامن رسیدن به پیروزی و سعادت است. قرآن کریم نخست به افراد با ایمان دستور صبر و استقامت می‌دهد و در مرحله دوم، دستور به استقامت در برابر دشمن می‌دهد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا...» (آل عمران: ۲۰۰). صابروا فعل امر از باب مفاعله است و از این دستور استفاده می‌شود که هر قدر دشمن بر استقامت خود بیفزاید، ما نیز باید همدیگر را به صبر و استقامت تشویق کنیم. ابن فارس برای ریشه «ص-ب-ر» سه معنا ذکر کرده است: ۱- خود نگاه داشتن و بی‌قراری نکردن در برابر ناملايمات؛ ۲- معنایی که در مقابل عجله است (می‌توان آن را تأنی معنا کرد)؛ ۳- یکی از مصادیق جزع نکردن و خود نگاه دار بودن در برابر ناملايمات» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۳۲۹).

غزالی در تعریف اصطلاحی صبر در علم اخلاق تصریح می‌نماید:

«صبر عبارت است از پایداری و ثبات لشکری در مقابل لشکر دیگر که به علت تضاد بین خواسته‌ها و تمایلاتشان با یکدیگر به جنگ پرداخته‌اند» (غزالی، ۱۴۱۵ق، ج ۸: ۹۳). نراقی درباره صبر می‌گوید: «صبر و شکیبایی، ثبات نفس و اطمینان آن و مضطرب نگشتن آن در بلا و مصائب و مقاومت کردن با حوادث و شداید، به نحوی که سینه او تنگ نشود و خاطرش پریشان نگردد و گشادگی و طمأنینه که پیش از حدوث آن واقع است، زوال نپذیرد و شکایت نکند و اعضایش را از حرکات نابه‌هنجار محافظت کند» (نراقی، ۱۳۸۸: ۸۰۲).

علی (ع) و یارانشان در رجزهایشان، مسئله صبر را کلید پیروزی برمی‌شمارند که در نهایت موجب داخل شدن به بهشت رضوان الهی می‌گردد. صبر و استقامت در آموزه‌های علوی تجلی و نمود ویژه‌ای دارد. علی (ع) در برابر دشمنان چنین رجز خوانده است:

دَبُّوا دَيْبَ النَّمْلِ قَدْ آتَى الظَّفَرَ لَا تَنْكُرُوا فَالْحَرْبُ تَرْمِي بِالشَّرْرِ

إِنَّا جَمِيعاً أَهْلُ صَبْرٍ لِأَخَوْرٍ

(بیهقی نیشابوری، ۱۳۹۱: ۳۰۴)

چون موران پیراکنید که پیروزی رسیده است. نادانی نکنید که جنگ شرر افکند. ما همگی شکیبائیم، نه زبون.

در ابیات فوق، علی (ع) بر کارکرد مثبت و حماسی صبر تأکید می‌نماید و صبر و پایداری را یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت و سربلندی انسان در مواجهه با سختی‌ها ذکر می‌کند. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «فاصبروا تظفروا» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۶۸: ۹۶)؛ بنابراین، یکی از کارکردهای صبر مثبت، پیروزی است.

در جنگ احد فرموده است:

معی حسامٌ قاطعٌ باترٌ یسَطَعُ مِنْ تَضْرَا بِه النَّارِ
إِنَّا أَنَاَسٌ دِئِنَّا صَادِقٌ إِنَّا عَلَى الْحَرْبِ لَصَبَّارٌ

(همان: ۲۸۲)

مرا تیغی است بران. که از کوفتنش آتش جهد. ما مردمی هستیم که آیین مان راست است. و در رزم و نبرد شکیبائیم.

«صبر یکی از مراحل رهروان دین و از مقامات اهل توحید است که به واسطه آن بنده در صف مقربان درگاه الهی وارد می‌شود و به جوار پروردگار واصل می‌گردد» (نوری، ۱۳۸۳: ۳۵۰).

از دیدگاه علی (ع) صبر مقدمه پیروزی و پایداری مبارزان است و به معنی انظلام و ظلم‌پذیری نیست. قرآن کریم در سوره انفال، آیه ۶۶ می‌فرماید: «... فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مَائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ». این نوع صبر نشان از خردمندی و کارآزمودگی است و پایداری بدون صبر امکان‌پذیر نیست.

تأکید اصلی رجزهای علوی، صبر در راه خدا، استقامت و پایداری در برابر سختی‌های جنگ و بردباری در برابر مرگ است.

۲-۳-۵- اشتیاق به شهادت در راه خدا و استقبال از مرگ

یکی از مفاهیم اصلی در رجزهای علوی و یارانش، مرگ و شهادت در راه خداست. «مرگ و جانبازی از محورهای اساسی در ادب پایداری است؛ زیرا مرگ درست مانند زندگی، یک حقیقت عادی بشر است؛ ولی این حقیقت، پرتگاهی نیست که قهرمان را به کام نابودی در صحنه پایداری بیفکند؛ بلکه راه پایداری را مقاوم‌تر می‌کند و با انتخاب آگاهانه مرگ است که شخص، اسوه حماسه‌سازی برای جویندگان این راه می‌گردد» (مهدی‌زاده و تنگستانی، ۱۳۹۴: ۷۵). مرگ در تعالیم علوی، برگرفته از تعالیم ناب اسلامی و قرآن کریم است. «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران: ۱۶۹). از نظر قرآن، مرگ دروازه انتقال از جهان ناپایدار به جهانی پایدار و از سعادت‌ی شکننده به سعادت‌ی جاودانه است (محسنی و امیریان، ۱۳۹۰: ۵۲)؛ همچنین از دیدگاه عرفای اسلامی، مرگ مایه فنا و نیستی انسان نیست؛ بلکه انتقال از مرحله‌ای به مرحله دیگر است؛ به همین دلیل است که گوینده این رجز، از اشتیاقش به دیدار خدا و شهادت در راه او و در راه دفاع از خاندان رسول‌الله می‌گوید. استقبال از شهادت، مقدماتی را می‌طلبد که از جمله آنها، عدم سازش با دشمنان و سرکشی در مقابل آنان است و به همین دلیل علی (ع) در میدان نبرد و قبل از نشان دادن شوق شهادت، بر موضوع عدم سازش با دشمنان در رجزهایش تأکید می‌کند؛ به عنوان نمونه در جنگ صفین سروده است:

و دَارُكُمْ مَا لَاحَ فِي الْاَفَقِ كَوْكَبٌ	أَبِي اللَّهِ إِلَّا أَنْ صَفِينِ دَارُنَا
و مَالِكُمْ عَنِ حَوْمَةِ الْحَرْبِ مَهْرَبٌ	إِلَى أَنْ تَمُوتُوا أَوْ نَمُوتَ وَمَا لَنَا

(بیهقی نیشابوری، ۱۳۹۱: ۱۳۰)

خداوند جز این نخواست است که صفین خانه ما / و خانه شما باشد، تا زمانی که در افق ستاره‌ای
سوسو زند. / تا آنگاه که بمیرید یا اینکه ما بمیریم و ما / و شما را از گرداب این جنگ محل‌گریزی
نیست.

و در رجز دیگر به هنگام اجازه خواستن از پیامبر (ص) برای میدان نبرد:

هل يدفع الدرع الحصين منيّه
فالموت حق والمنيه شربه
يوماً إذا حضرت لوقت ممات
تأتى إليه فبادر الزكوات
(همان: ۱۷۲)

اگر هنگام مرگ در رسد، / آیا زره استوار مرگ را بازمی‌دارد؟ / مرگ راست است و مردمی جامی
که وی روزی نوشد. / پس او به کاری شتافت که جان را پالاید.
عمار بن یاسر در حمله به عمرو عاص سروده است:

صدق الله و هو للصدق اهل
رب عجل شهادة لى بقتل
و تعالى ربي و كان جليلا
مقبلا غير مدبر ان للقت
فى الذى قد احب قتلا جميلا
ل على كل ميتة تفضيلا
يشربون الرحيق والسبيلا
انهم عند ربهم فى جنان
كئ و كأساً مزاجها زنجبيل
من شراب الأبرار خالطه المس
(منقری، ۱۳۸۲: ۳۲۰)

راست گفت خداوند که خود شایسته راستی است. / و پروردگام بس والا و شکوهمند است. /
پروردگارا! شهادت را از طریق کشته شدن / در کنار کسانی که شیفته مرگی زیبا هستند؛ هرچه بر هر
گونه مرگ دیگر رجحان دارد. / روی به میدان کارزار نه پشت کرده به آن؛ چه کشته شدن. / نوشابه
گواری بهشتی و زلال سلسبیل می‌نوشند. / از نوشابه مشک‌آمیز نیکان. / به جامی که آمیزه‌اش زنجبیل
است.

عمار در این ابیات، شهادت را بالاترین مرگ می‌داند و در رجز مذکور، جاودانه بودن در بهشت با نیکان به عنوان افتخاری بزرگ مطرح است.

احمر که از یاران علی (ع) است و در رکاب او شهید شده، گفته است:

كُلَّ امْرِئٍ لَّا بُدَّ يَوْمَ مَيْتٍ وَالْمَوْتُ حَقٌّ فَاعْرِفْ وَصِيَّه

(منقري، ۱۳۸۲: ۳۷۹)

هر کس ناگزیر باید روزی بمیرد/ و مرگ حق است؛ پس باید پیام آن را به درستی شناخت.
در رجز احمر، بن‌مایه‌های مقاومت و پایداری، یعنی استقبال از مرگ و شهادت به تصویر کشیده شده است.

۳- نتیجه‌گیری

این پژوهش، نقل و تحلیل رجزهای علوی و شناسایی آموزه‌های ادب مقاومت و پایداری در این رجزها را رهیافتی مناسب برای پاسخ‌گویی به این پرسش می‌داند و نشان می‌دهد:
۱- رجزهای علوی در جنگ‌های علی (ع) با دشمنان اسلام برای ترغیب و تهییج به جنگ از جایگاه والایی برخوردار است.

۲- یکی از مفاهیم اصلی در رجزهای علوی، مرگ و شهادت در راه خداست که از محورهای اساسی در ادب پایداری است. این موضوع در رجزهای علوی تجلی و نمود ویژه‌ای دارد.

۳- از کارکردهای رجز، ارباب و تهدید دشمن و ایجاد ترس در او برای مقابله با ظلم و ستم است که در رجزهای علوی به تصویر کشیده شده است.

۴- از جمله مفاهیم اخلاقی در رجزهای علوی، صبر و استقامت است که به‌عنوان کلید پیروزی در رجزهای حماسی علی (ع) و یارانش بازتاب ویژه‌ای داشته است.

- ۵- از کارکردهای رجز، شجاعت و دلیری در مواجهه با دشمن است که در رجزهای علوی و یارانش در مصاف با دشمن نمود بارزی دارد.
- ۶- معرفی اجداد طاهر و افتخار به نسب، یکی از مؤلفه‌های ادب مقاومت است که در رجزهای علوی برای تضعیف روحیه دشمن کارکرد ویژه ای دارد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

- ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم. (۱۳۸۵ق). **الکامل فی التاریخ**. بیروت: دار صادر.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴). **معجم مقاییس اللغة**. تحقیق عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمدبن مکرم. (بی‌تا). **لسان العرب**. تصحیح امین محمد عبدالوهاب و محمدصادق عبیدی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اصفهانی، ابوالفرج. (۱۴۳۰ه). **مقاتل الطالبیین**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- امیری خراسانی، احمد؛ اکرمی‌نیا، عصمت. (۱۳۹۶). «**جایگاه رجز در شعر دفاع مقدس**». نشریه ادبیات پایداری. س ۹، ش ۱۶، ص ۳۹.
- بروکلمان، کارل. (بی‌تا). **تاریخ الادب العربی**. ترجمه عبدالرحیم نجار. قاهره: دارالمعارف.
- بیهقی نیشابوری، قطب‌الدین ابوالحسن. (۱۳۹۱). **دیوان امام علی (ع)**. به تصحیح ابوالقاسم امامی. تهران: اسوه.
- رازی، محمدبن ابوبکر. (۱۴۳۱). **مختار الصحاح**. به تحقیق حمزه فتح‌الله. بیروت: موسسه الرساله.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (بی‌تا). **مفردات الفاظ القرآن**. بیروت: دارالقلم.
- طریحی، فخرالدین. (۱۴۳۰). **مجمع البحرین**. شرح نضال علی. بیروت: موسسه الأعلمی للمطبوعات.
- غزالی، ابوحامد محمدبن محمد. (۱۴۱۵ق). **احیاء علوم الدین**. مصر: مکتبه السنه.

- فاخوری، حنا. (۱۳۸۶). **تاریخ ادبیات زبان عربی از عصر جاهلی تا قرن معاصر**. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: توس.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۳۶۷). **کتاب العین**. بیروت: موسسه الأعلمی.
- فلاح، غلامعلی. (۱۳۸۵). «**رجزخوانی در شاهنامه**». دو فصلنامه علمی- پژوهشی زبان و ادبیات فارسی. ش ۵۴ و ۵۵، صص ۱۰۷-۱۳۰.
- فیض کاشانی، ملامحسن. (بی تا). **مفاتیح الشرایح**. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۲). **بحار الانوار**. تحقیق سید جواد علوی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محسنی، علی اکبر و امیریان، طیه. (۱۳۹۰). «**بررسی اندیشه مرگ و زندگی در شعر محمود درویش**». فصلنامه نقد و ادبیات تطبیقی. ج ۱، ش ۱، صص ۴۵-۷۵.
- مصطفوی نیا، سید محمد رضی. (۱۴۳۳). «**دراسة الرجز فی العصر الاسلامی**». إضاءات نقدیه فی الادبین العربی و الفارسی. ج ۱، ش ۴، صص ۷۹-۱۰۳.
- مصطفی، ابراهیم؛ زیات، احمدحسن؛ عبدالقادر، حامد؛ نجار، محمدعلی. (۱۳۸۵ش). **المعجم الوسیط**. تهران: انتشارات مرتضوی.
- معین، محمد. (۱۳۸۱). **فرهنگ فارسی معین**. تهران: امیرکبیر.
- منقری، نصرین مزاحم. (۱۳۸۲ش). **وقعة صفین**. تحقیق عبدالسلام محمد هارون. قم: بصیرتی.
- مهدی زاده، محمود؛ تنگستانی، معصومه. (۱۳۹۴). «**درون مایه‌های مقاومت در شعر علی احمد باکثیر**». همایش ملی ادب مقاومت و هنر. دانشگاه آزاد اسلامی قم. ۱۵ بهمن.
- نراقی، ملا احمد. (۱۳۸۸). **معراج السعاده**. قم: جمال.
- نوری، محمدرحیم. (۱۳۸۳). **مبانی اخلاق**. قم: خورشید باران.